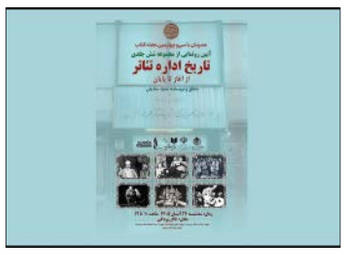
رونمایی از مجموعه پژوهشی «تاریخ اداره تئاتر از آغاز تا پایان»

آیین رونمایی از مجموعه پژوهشی «تاریخ اداره تئاتر از آغاز تا پایان» فردا ۲۶ آبان همزمان با سی‌وچهارمین هفته کتاب در تالار رودکی برگزار خواهد شد. این مجموعه حاصل بیش از دو دهه مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی، گفت‌وگو با هنرمندان و مدیران تئاتر و گردآوری و بررسی اسناد تاریخی است که با پژوهش مجید ستایش، بازیگر رسمی اداره تئاتر و پژوهشگر هنرهای نمایشی، تدوین شده است.

تاریخ اداره تئاتر از آغاز تا پایان، روند شکل‌گیری، تحولات و فعالیت اداره تئاتر و دیگر نهادهای تأثیرگذار بر تئاتر حرفه‌ای ایران را با رویکردی مستند بررسی می‌کند. در این پژوهش، تاریخ نهادهایی همچون اداره هنرهای دراماتیک، اداره تئاتر، مرکز هنرهای نمایشی، تماشاخانه سنگلج، مجموعه تئاترشهر، تالار وحدت، تالار هنر و تالار محراب مورد توجه قرار گرفته است. گردآوری و تحلیل مجموعه‌ای از اسناد اداری، احکام، مکاتبات، تصاویر، پوسترها، بروشورها و اسناد کمترمنتشرشده از دیگر ویژگی‌های این اثر است؛ اسنادی که می‌توانند بخشی از خلأهای موجود در ثبت و مستندسازی تاریخ تئاتر ایران را پوشش دهند. این مجموعه ضمن بازخوانی تحولات ساختاری و مدیریتی تئاتر ایران، به نقش نهادهای دولتی در شکل‌گیری، آموزش، تولید و سیاست‌گذاری تئاتر حرفه‌ای کشور می‌پردازد.



جام جم
فرهنگ
CULTURE
۵
دوشنبه ■ ۲۵ آبان ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۴۷۰

«مرد ابدی»، حسن آقای واقعی است

معصومه سپهری، نویسنده کتاب «مرد ابدی»: جوانان امروز باید مسیر دشوار موفقیت شهید طهرانی‌مقدم را بشناسند



فتاح غلامی
دبیر گروه فرهنگ و هنر

نوشتن از مردی که بخش مهمی از زندگی‌اش در لایه‌های پنهان فعالیت‌های نظامی و موشکی ایران گذشته، کار ساده‌ای نیست؛ به‌ویژه وقتی قرار باشد تصویری واقعی و به‌دور از خیال‌پردازی از او به یادگار بماند. معصومه سپهری برای نگارش مجموعه سه‌جلدی مرد ابدی سال‌ها درگیر پژوهش و گفت‌وگو با ۱۸۰ راوی شد تا از میان هزاران صفحه سند، خاطره و روایت، چهره‌ای مستند از شهید حسن طهرانی‌مقدم ترسیم کند. او در این گفت‌وگو از دشواری‌های این مسیر، رازهای کمترگفته‌شده زندگی پدر موشکی ایران و ویژگی‌هایی می‌گوید که می‌تواند برای نسل جوان امروز الهام‌بخش باشد.



با توجه به تعدد آثاری که به روایت زندگی شخصیت‌ها می‌پردازند، آیا مرد ابدی صرفا یک مستند زندگی‌نامه‌ای است؟ آیا در حین نگارش این کتاب از ابزارهای داستان‌نویسی برای بازسازی صحنه‌ها استفاده کردید؟

مرد ابدی کاملا بر پایه مستندات مکتوب، فایل‌های صوتی و تصویری و ساعت‌ها گفت‌وگو با افرادی نوشته شده است که بار اصلی روایت بر دوش آنهاست.

سال‌ها مطالعه و پژوهش درباره شخصیت شهید طهرانی‌مقدم و ابعاد مختلف زندگی ایشان، گفت‌وگو با ۱۸۰ راوی و بررسی مطالب منتشرشده درباره ایشان، تا حد زیادی مرا با ابعاد شخصیتی و فعالیت‌های‌شان آشنا و مأنوس کرده بود.

کاملا به روایت‌های مستند وفادار بودم و هرگز به خودم اجازه نمی‌دادم موضوعات مبهم را بر اساس سلیقه و تخیل خودم رنگ‌وبو بدهم یا برای افزایش تأثیرگذاری یک ماجرا، مطلبی خیالی به آن اضافه کنم.

وظیفه من در نگارش کتاب مرد ابدی و پرداختن به شخصیت بزرگی چون شهید حسن طهرانی‌مقدم، امانتداری کامل و وفاداری به روایت‌های مختلف بود. البته در مرحله نگارش نیز بسیار کوشیدم هزاران برگ متن را که تیترگذاری، فیش‌برداری و اطلاعات‌شان را طبقه‌بندی کرده بودم، چنان کنار هم قرار دهم و روایت کنم که خواننده به‌راحتی و روانی به دل ماجراها برود.

کار سختی بود ولی هدفم نشان دادن چهره واقعی از چنین سردار گمنامی بود. شاید یکی از دلایلی که هم خانواده و هم دوستان و کسانی که با این شهید بزرگوار زندگی کرده‌اند، کتاب را تأیید می‌کنند، همین مسأله باشد که گفتند «کتاب مرد ابدی، حسن آقای واقعی است» و این جمله، خیلی خیال مرا راحت کرد که به لطف خدا کارم را در برابر این پروژه عظیم درست انجام داده‌ام.

در زندگی شهید طهرانی‌مقدم بخش‌هایی وجود دارد که به‌دلیل ماهیت نظامی و محرمانه فعالیت‌هایش، دسترسی به اطلاعات آنها دشوار است. چگونه توانستید میان ضرورت حفظ ملاحظات امنیتی و ضرورت ارائه یک روایت تاریخی دقیق تعادل برقرار کنید؟

سردار مجید موسوی بزرگوار، بار اصلی بازگویی مسائل محرمانه‌ای را بر دوش داشت که تا آن زمان مطرح نشده بود. ایشان که در آن زمان جانشین سردار حاجی‌زاده بودند، از سال ۱۳۹۶ به‌طور کامل در جریان کار قرار گرفتند. سردار موسوی هم اشراف کاملی بر موضوع داشتند و هم به کتاب زندگی شهید حسن طهرانی‌مقدم به چشم تاریخچه موشکی نگاه می‌کردند. از این‌رو، علاوه بر این‌که خودشان نقاط عطف و مراحل مهم تلاش‌های شهید طهرانی‌مقدم پس از جنگ را که بیان آنها را صلاح می‌دانستند، مطرح می‌کردند، به پرسش‌های ریز و درشت من نیز پاسخ می‌دادند.

در هر موضوع، افراد مختلفی را نیز معرفی می‌کردند تا جزئیات را از آنها جویا شوم. درواقع، بسیاری از راویان بخش‌های تخصصی، با پیامی از دفتر سردار موسوی هماهنگ می‌شدند تا بتوانم با آنها گفت‌وگو کنم.

البته رسیدن به این مرحله و جلب چنین سطحی از اعتماد، هم مرهون کتاب‌های پیشین من، ازجمله «لشکر خوبان» و «نورالدین پسر ایران» بود که مورد تأیید کارشناسان این حوزه قرار گرفتند، جوایز متعددی کسب کردند و مفتخر به دریافت تقریظ‌های حضرت‌آقا شدند و هم حاصل دقت، صبوری و امانتداری‌ای بود که در طول کار از خود نشان می‌دادم. ساعت‌های طولانی در طی سالیان با خانواده و بسیاری از دوستان شهید طهرانی‌مقدم ارتباط پیدا کرده بودم. مصاحبه‌های ما از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ که بیشتر به بخش پس از جنگ رسیدیم، دشواری‌های خاصی داشت. گرچه راویان ما افرادی جنگ‌دیده و آگاه بودند که خودشان ملاحظات امنیتی را رعایت می‌کردند، من نیز در ضبط و پیاده‌سازی مصاحبه‌ها نهایت دقت را به خرج می‌دادم.

ارتباط مداوم با راویان اصلی، چه در بخش خانواده و چه در بخش نظامی و تحقیقاتی که خود سردار موسوی زحمت آن را می‌کشیدند به من قوت قلب می‌داد که مسیر روایت درست پیش می‌رود، چیزی کم یا زیاد نمی‌شود و اطلاعات غلطی وارد کتاب نخواهد شد

دو فرد مورد اعتماد در پیاده‌سازی مصاحبه‌ها به من کمک می‌کردند و گاهی نیز خودم آن را انجام می‌دادم. یادم می‌آید یک‌بار، به‌دلیل عجله‌ای که داشتم و حجم بسیار زیاد فایل، ناچار شدم گفت‌وگوی حدود پنج‌ساعته با سردار موسوی را خودم پیاده کنم؛ کاری که نزدیک به ۲۵ ساعت زمان برد و چون عجله داشتم و از انتشار مسائل قبل از تایید نهایی هم نگران بودم، دو نفر از افراد امین را به خانه‌مان دعوت کردم تا همان‌جا بنشینند و مصاحبه را پیاده کنند و تحویل دهند. در زمینه رفت‌وآمد و انتقال فایل‌ها هم بسیار دقت داشتیم. از فضای مجازی و اینترنت هیچ استفاده‌ای نداشتیم و فایل‌ها را به‌صورت دستی جابه‌جا می‌کردیم تا متن نهایی به تأیید برسد.

البته نکته اصلی این بود بزرگوارانی که با آنها گفت‌وگو می‌کردیم، خودشان نیز از ملاحظات کار آگاهی داشتند. برای مثال، در بخش کمک به موشکی شدن جبهه مقاومت، خود سردار سهرابی تا مرحله‌ای از موضوع را برای من توضیح دادند و گفتند که ما فقط تا همین‌جا را می‌توانیم مطرح کنیم و بنویسیم. اسناد، عکس‌ها و همه‌چیز با همین دقت بررسی می‌شد.

این ارتباط مداوم با راویان اصلی، چه در بخش خانواده و چه در بخش نظامی و تحقیقاتی که خود سردار موسوی زحمت آن را می‌کشیدند، به من قوت قلب می‌داد که مسیر روایت درست پیش می‌رود، چیزی کم یا زیاد نمی‌شود و اطلاعات غلطی وارد کتاب نخواهد شد. موارد خاصی هم پیش می‌آمد که خانواده از آن اطلاع نداشتند و برای اولین بار با خواندن مطالب دیگران مطلع می‌شدند یا مثلا سردار موسوی می‌گفتند: «من این موضوع را نمی‌دانم؛ شما از این مسأله مطمئن هستید؟» یادم هست بحثی درباره سفر حسن‌آقا به آلمان در زمان جنگ برای تهیه برخی تجهیزات بود. چون در آن زمینه سند و عکس و روایت فرد دیگری را داشتم، به ایشان عرض کردم که بله، این سند و مدرک آن سفر است. به این ترتیب، مطالب به‌خوبی تهیه و مستند می‌شد تا باقی بماند.

خدا را شکر، کتاب در مرحله نهایی حفاظت نیز بدون مشکل خاصی تأیید شد؛ چراکه از ابتدا کار را با دقت پیش برده بودیم و اثر به‌راحتی این مرحله را پشت سر گذاشت.

وقتی با صدها راوی مواجه هستید، طبیعتا ممکن است درباره یک اتفاق، روایت‌های متفاوت و حتی متناقضی وجود داشته باشد. شما برای رسیدن به روایت نهایی چه معیاری داشتید؟ آیا در مواردی ترجیح دادید اختلاف روایت‌ها را همان‌طور که هست حفظ کنید؟

موضوع بسیار مهمی است. ما درست است که درباره وقایع تاریخی صحبت می‌کردیم، اما گاهی افراد مختلف به‌دلیل زاویه‌دید و جایگاه متفاوتی که نسبت به یک موضوع داشتند، روایت‌های متفاوتی ارائه می‌دادند. البته این افراد هم آدم‌های کوچکی نبودند و هرکدام شخصیت‌های بزرگ و معتبری بودند که باید به حرف‌های‌شان توجه می‌کردم. در طول این کار، موارد چندانی از اختلاف در روایت‌ها پیش نمی‌آمد و اغلب با کمی بررسی و تأمل بیشتر، می‌توانستم روایت درست‌تر را تشخیص دهم.

در اکثر موارد دست‌نوشته‌های باقیمانده از شهید، تکلیف را مشخص می‌کرد که مثلا در زمان جنگ، یا شهادت علی «برادر کوچیک‌تر شهید طهرانی‌مقدم» کجا بوده؟ یا روابط با سوری‌ها در پاییز ۱۳۶۳ در سوریه به چه نحو بوده. اما مشخصا در چند مورد مهم با چنین مشکلی مواجه شدم. راویان، افرادی جدی و صاحب‌نظر بودند و موضوعات نیز اهمیت و حساسیت خاصی داشتند. برای مثال، مباحث مربوط به توپخانه، شب عجیب خیبر، آزمایش نخستین موشک دست‌ساز، پادگان موشکی منتظری و بخش‌های پایانی کتاب درباره حوادثی که حاج‌حسن احتمال شهادت ده‌ها نفر را در آنها پیش‌بینی می‌کرد. واقعا برای خودم اهمیت داشت که این موضوعات مبهم و درعین‌حال مهم را به‌درستی درک کنم و بنویسم.

کاری که در آنجا انجام دادم، درواقع تلاش بیشتر برای یافتن راویان دیگری از آن حادثه و اسنادی مانند عکس، دست‌نوشته و حتی مطالبی از برخی کتاب‌های منتشرشده در سال‌های پیش بود. بخش ظریفی از مشکل هم این بود که چگونه ضمن حفظ احترام و اعتماد راویان، به ایشان بگوییم که حرف شما با دیگران تناقضی دارد و باید بیشتر تحقیق کنیم. در اندک مواردی به‌دلیل اهمیت راوی و آن موضوع، در متن یا پاورقی هم این موضوع را می‌نوشتم.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

یادداشت

دکتر رضا رمضان نرگسی | نویسنده و پژوهشگر

جنگ احزاب، آغاز تمدن نوین

در جنگ احزاب، دشمن دید کاری نمی‌تواند بکند، اما همچنان امیدوار بود تا بلکه از جایی وارد شده و ضربه‌ای کشنده به پیکر مسلمین وارد کند، ولی بعد از کشته شدن عمرو بن عبدود تمام امیدهای دشمن به ناامیدی تبدیل شد و لذا جمع کردند و رفتند. برای همین پیامبر فرمود امروز تمام اسلام در مقابل تمام کفر ایستاده است و فرمود: ضربه علی یوم الخندق افضل من عبادت الثقلین الی یوم القیامه (ضربه امیرالمومنین در روز خندق بالاتر از عبادت جن و انس تا روز قیامت است).

ما باید از تاریخ درس عبرت بگیریم. امروز شرایط ما درست مثل جنگ احزاب است و باید همان سیاست را پی بگیریم. امروز همانند جنگ احزاب همه دشمنان دست به دست هم داده‌اند و تنگه هرمز همانند خندق دور مدینه عمل می‌کند. امروز هم دشمن بعد از مواجهه با تنگه (خندق مدینه) همچنان امیدوار است تا بلکه بتواند از جایی وارد شود و کاری کند و از جایی ضربه‌ای کاری به پیکره نظام وارد نماید و پیروز شود.

تنها راه پیروزی این است که همانند کشتن عمرو بن عبدود ایران یکی از ناوهای هواپیمابر آمریکا را به‌کلی غرق کند. این کار همانند کشتن عمرو بن عبدود دشمن را ناامید خواهد ساخت و او بعد از ناامیدی خودبه‌خود صحنه را به‌کلی ترک خواهد کرد. آن‌وقت ایران می‌ماند با عرب‌های مزدور و اسرائیل هار و لذا تنها آن‌وقت لذت پیروزی را خواهیم چشید.

ممکن است گفته شود که ایران چنین قدرتی ندارد؛ این نیز همانند القائات منافقین مدینه است که می‌گفتند: یا اهل یثرب لامقام لکم.

ما برای غرق کردن ناوها چند راه داریم:

۱. قدرت موشکی: اگر با توکل بر خدا با آخرین دستاوردهای موشکی خود به طرف ناوها شلیک کنید، مطمئن باشید با کمک خداوند آنها را غرق خواهد کرد.

۲. قدرت نیروهای جان‌برکف سپاه که ثابت کرده‌اند می‌توانند با استفاده از انواع مین‌ها و یا زیردریایی‌های کوچک یا حتی زیردریایی‌های بدون سرنشین ناوها را از پا دربیاورند.

۳. با استفاده از اژدرهای با سرعت بالا که ایران برای اولین بار آنها را طراحی کرده (و حتی روسیه ندارد) و می‌توان از طرق مختلف آنها را شلیک کرد.

به‌هرحال این‌که چگونه این ناوها را نابود و غرق کنیم کار من و در تخصص من نیست، ولی اطلاع دارم که ایران توان این‌کار را دارد و از دوستان نظامی پرسیدم، آنها نیز گفتند که این‌کار برای ما آسان است، فقط نیاز به دستور داریم.

منتظریم که نیروهای مقتدر همانند امیرالمومنین، عمرو بن عبدود امروزی را به درک واصل کند تا سرنوشت جنگ احزاب مجددا رقم بخورد.

روی موج

روایت شاعران از مردی که هنوز در خط مقدم ایستاده است

شب شعر «مرد ابدی» و مراسم یادبود سردار شهید حسن طهرانی‌مقدم، پدر موشکی ایران، با حضور نویسنده کتاب سه‌جلدی مرد ابدی، خانواده شهید و جمعی از شاعران کشور در نخلستان اوج سازمان هنری رسانه‌ای اوج برگزار شد. در این مراسم، معصومه سپهری از دشواری‌های نگارش زندگی‌نامه شهید طهرانی‌مقدم و ابعاد کمترشناخته‌شده شخصیت او سخن گفت و شاعران حاضر نیز با قرائت سروده‌هایی، یاد و خاطره این فرمانده شهید را گرامی داشتند. شب شعر مرد ابدی فرصتی بود تا در کنار یادآوری خدمات و مجاهدت‌های شهید حسن طهرانی‌مقدم، به ابعاد فرهنگی و انسانی شخصیت او نیز پرداخته شود؛ مردی که نامش بیش از هرچیز با شکل‌گیری و توسعه توان موشکی ایران گره خورده اما به روایت نزدیکان و همراهانش، ویژگی‌های شخصیتی و شیوه زندگی او نیز به اندازه دستاوردهای نظامی‌اش قابل تأمل است.

شهید طهرانی‌مقدم هنوز به‌درستی شناخته نشده است

در ادامه این مراسم، دختر شهید حسن طهرانی‌مقدم نیز با قدردانی از معصومه سپهری برای نگارش مجموعه مرد ابدی، گفت: خانم سپهری فقط یک نفر را معرفی نکرد، بلکه تاریخ موشکی ایران و اسطوره‌های این سرزمین را به مخاطبان شناساند.

او با اشاره به آنچه «حجاب معاصرت» نامید، اظهار کرد که جامعه گاهی به‌دلیل نزدیکی زمانی با شخصیت‌های بزرگ، هنوز فرصت شناخت کامل آنها را پیدا نکرده است. به اعتقاد او، این مسأله درباره شخصیت‌هایی مانند شهید حاج‌قاسم سلیمانی و دیگر چهره‌های برجسته تاریخ معاصر نیز وجود دارد و باید برای شناخت عمیق‌تر آنها تلاش کرد.

دختر شهید طهرانی‌مقدم در ادامه با اشاره به نقش شعر و ادبیات در معرفی الگوهای فرهنگی و تاریخی گفت که ادبیات می‌تواند مخاطبان را از شناخت ظاهری شخصیت‌ها فراتر ببرد و زمینه آشنایی با لایه‌های عمیق‌تر زندگی و اندیشه آنان را فراهم کند. او سپس با لحنی عاطفی به بیان خاطراتی از دوران کودکی و رابطه خود با پدرش پرداخت و گفت که مانند همه فرزندان، چشم‌انتظار بازگشت پدر از مأموریت‌ها بوده و در عالم کودکی برای او نامه می‌نوشته است. دختر شهید طهرانی‌مقدم با یادآوری نخستین نامه‌ای که برای پدرش نوشته بود، توضیح داد که در آن نامه چند بار از واژه «نیست» استفاده کرده بود، در حالی‌که امروز باور دارد پدرش همچنان در زندگی و خاطره خانواده و جامعه حضور دارد. او همچنین به روحیه امید، انگیزه و نشاط شهید طهرانی‌مقدم اشاره کرد و گفت که پدرش هرکس را در کنار خود قرار می‌داد، با امید و ایده‌های تازه برای ادامه مسیر زندگی همراه می‌کرد. به گفته او، همین روحیه همچنان می‌تواند برای نسل‌های جدید الهام‌بخش باشد.

شاعران از میراث یک فرمانده شهید گفتند

بخش دیگری از این مراسم به شعرخوانی شاعران اختصاص داشت. میلاد عرفان‌پور نخستین شاعری بود که روی صحنه حاضر شد. او پیش از قرائت سروده خود، از برگزارکنندگان این مراسم برای برپایی برنامه‌ای به یاد سردار شهید حسن طهرانی‌مقدم قدردانی کرد و با اشاره به نقش مجاهدت و ایستادگی مدافعان کشور، سروده‌اش را به این فرمانده شهید و همه کسانی تقدیم کرد که برای سربلندی ایران تلاش کرده‌اند. عرفان‌پور در شعر خود با زبانی حماسی به موضوع دفاع از میهن، ایستادگی در برابر دشمن و ضرورت حفظ روحیه مقاومت پرداخت و از پیوند میان هویت ملی، باورهای دینی و فداکاری شهیدان سخن گفت. پس از او، محمد رسولی با قرائت سروده‌ای، به جایگاه شهید طهرانی‌مقدم در تاریخ دفاعی ایران پرداخت. بخش مهمی از شعر او به نقش شهیدان در شکل‌گیری اقتدار کشور و ضرورت شناخت شخصیت‌هایی اختصاص داشت که با وجود دستاوردهای بزرگ، همچنان برای بخش‌هایی از جامعه ناشناخته مانده‌اند.

رضا صمدیان دیگر شاعری بود که در این مراسم به شعرخوانی پرداخت. او در سروده‌های خود با بهره‌گیری از نماد درخت، سرو و ریشه، به موضوع مقاومت و پیوند میان آزادگی و ایستادگی اشاره کرد و در بخش دیگری از شعرش، شخصیت شهید طهرانی‌مقدم را به‌عنوان فرمانده‌ای معرفی کرد که نام و یادش همچنان برای دوستداران ایران زنده است. در ادامه، علی‌محمد مودب نیز با قرائت سروده‌ای به تجلیل از روحیه استقامت، شجاعت و پایداری مردانی پرداخت که در دشوارترین شرایط از آرمان‌ها و باورهای خود دست نمی‌کشند. او در شعر خود، علاوه بر نقش رزمندگان و فرماندهان، به همراهی و صبوری خانواده‌های شهدا نیز توجه داشت.



فاطمه نانی‌زاد دیگر شاعری بود که در این برنامه حضور یافت و سروده‌ای را به شهید طهرانی‌مقدم تقدیم کرد. شعر او با حال‌وهوایی سوگوارانه و حماسی، یادآور شهادت این فرمانده و جایگاه او در حافظه جمعی ایرانیان بود. نانی‌زاد در بخش‌هایی از سروده خود نیز به موضوع مقاومت، ایستادگی در برابر دشمن و پیوند میان نسل‌های مختلف مدافعان ایران پرداخت.

محسن کاویانی نیز در این شب شعر، با قرائت سروده‌ای درباره شهید طهرانی‌مقدم، به ویژگی‌های شخصیتی و نگاه آینده‌نگرانه او اشاره کرد. او در شعر خود از فرمانده‌ای سخن گفت که پیش از دیگران به آینده می‌اندیشید و برای تحقق اهداف بزرگ، از دشواری‌های مسیر هراسی نداشت. کاویانی همچنین با اشاره به دستاوردهای موشکی ایران، نقش شهید طهرانی‌مقدم را در شکل‌گیری این توانمندی‌ها برجسته کرد.

حسین خزایی آخرین شاعری بود که در این مراسم به شعرخوانی پرداخت. او در سروده‌های خود، ضمن اشاره به شخصیت و خدمات شهید طهرانی‌مقدم، به موضوعات سیاسی روز، استقلال کشور و ضرورت مقابله با تهدیدهای خارجی نیز پرداخت و بخشی از اشعارش را به یاد و نام این فرمانده شهید اختصاص داد.

مرد ابدی؛ فراتر از یک نام و یک کتاب

مراسم شب شعر مرد ابدی درحالی برگزار شد که مجموعه سه‌جلدی معصومه سپهری تلاش کرده تصویری جامع از زندگی و فعالیت‌های شهید حسن طهرانی‌مقدم ارائه دهد؛ شخصیتی که نامش با تاریخ شکل‌گیری توان موشکی ایران پیوند خورده است اما شناخت او به دستاوردهای نظامی محدود نمی‌شود. سخنان نویسنده کتاب و دختر شهید در کنار سروده‌های شاعران حاضر در این مراسم، بر یک نکته مشترک تأکید داشت؛ برای شناخت شخصیت‌های بزرگ تاریخ معاصر، باید از روایت‌های سطحی و محدود فراتر رفت و به ابعاد انسانی، فکری و اخلاقی زندگی آنها نیز توجه کرد. از این منظر، مرد ابدی نه‌فقط یادآور کارنامه یک فرمانده نظامی، بلکه تلاشی برای بازشناسی منش و اندیشه مردی است که زندگی خود را وقف تحقق آرمان‌هایش کرد و میراث او همچنان در عرصه‌های مختلف علمی، دفاعی و فرهنگی کشور ادامه دارد.